



تحلیل تربیتی احکام تمکین زوجین در فقه و نقش آن در استحکام روابط خانواده

سید علی اصغر یعقوبی^۱

رقیه سادات مؤمن^۲

چکیده

حکم به تمکین زوجین از یکدیگر در اسلام بر اساس ضوابط و دستور العمل‌هایی است که مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی بوده، برخوردار از ساختاری نظام مند و مبتنی بر واقعیت‌های جنسیتی است. از این رو و با توجه به نقش جنسیت زوجین، در تشریح احکام مربوط به تمکین هر یک؛ این سؤال که: احکام مربوط به تمکین زوجین، از چه تحلیل تربیتی در استحکام و بهبود روابط زناشویی برخوردار است؟ مسأله‌ای است که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش با تحلیل و توصیف آیات، روایات و آداب اسلامی از خلال منابع کتابخانه‌ای، و در نتیجه تحلیل و بررسی احکام تمکین؛ این نکته استنتاج می‌شود که از آنجایی که تشریع و بیان احکام مربوط به تمکین زوجین و تمایزات جنسی و جنسیتی ایشان، در واقع تبیین الگوهای رفتاری مشخصی است که متناسب با جنسیت و خواسته‌های هر دو جنس بوده، به همین منظور فقه خانواده در خصوص مبحث تمکین احکامی را بیان نموده است که دارای خاستگاه‌های تربیتی و اخلاقی است و می‌توان از آنها به عنوان راهکارهای تربیت جنسی بهره برد. به نحوی که دانستن و عمل به آن، منجر به رضایتمندی زوجین از زندگی با یکدیگر، پیشگیری و کاهش آسیب‌های متعدد حوزه خانواده، بهبود تربیت فرزندان، درک متقابل زن و مرد از رفتارها و نیازمندی‌های جنسی و جنسیتی یکدیگر و واکنش مناسب در مقابل این رفتارها و متأثر از این موارد، تأمین امنیت اخلاقی جامعه خواهد شد.

واژگان کلیدی: نشوز، شقاق، زناشویی، رضایت زناشویی، تربیت جنسی، حسن معاشرت.

۱. دانشجوی دکتری فقه و علوم قضایی مؤسسه عالی فقه تخصصی، قم (نویسنده مسئول) amiralmumenin110@gmail.com

۲. دکترای تخصصی مطالعات زنان گرایش حقوق زن - استادیار دانشکده حقوق - دانشگاه امام صادق علیه السلام - تهران sadatmomen@isu.ac.ir

طرح مسأله

از آنجایی که احکام اسلام تابع مصالح و مفاسدی هستند که در واقعیات خارجی انعکاس می‌یابند، در معرفت‌شناختی از اعتبار و ارزش والایی در درک درست واقعیت‌ها، برخوردار هستند. از این رو تحلیل احکام شرعی در همه‌ی ابعاد عبادی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی، بهترین راهکار و روش در فهم دقیق موضوعات خارجی و احکام مربوط به آن‌ها می‌باشد.

از احکام مهمی که در این باب قابل تأمل و تحقیق است، احکامی است که جنسیت به عنوان موضوع یا قیدی مهم و دخیل در موضوع، ملحوظ آن قرار گرفته‌است. در واقع مسأله کلی این است که جنسیت چه جایگاهی در شریعت اسلامی دارد؟ به عبارت دیگر آیا جنسیت می‌تواند متغیر قابل توجهی در تبدل و تغییر احکام باشد؟ در فرض ثبوت و اثبات، تفاوت جنسیت و به تبع آن تفاوت احکام، تکالیف و حقوق، چه آثاری در تنظیم معیشت و سعادت افراد با جنسیت‌های متفاوت خواهد داشت. البته هر چند این موضوع از دامنه و گستردگی بسیار زیادی برخوردار است و به جرأت می‌توان گفت در تمام ابواب فقه از عبادات، معاملات تا حدود و قصاص موارد بسیاری از احکام را می‌توان بر شمرده که جنسیت نقش تعیین‌کننده‌ای در تفاوت حکم دارد؛ لکن در این مختصر به این مسأله در محدوده احکام تمکین خواهیم پرداخت که با توجه به تفاوت جنسیت زوج و زوجه، احکام مربوط به تمکین زوجین، از چه تحلیل تربیتی در استحکام و بهبود روابط زناشویی برخوردار است؟

به طور کلی احکام شریعت اسلامی در خصوص موضوع جنسیت، بر این اصل مبتنی است که دو جنس مؤنث و مذکر از لحاظ ویژگی‌های بیولوژیک و نیز از حیث روانشناختی، تفاوت‌های قابل توجهی با یکدیگر دارند، اما آنچه شریعت اسلامی را از سایر مکاتب در خصوص موضوع جنسیت متمایز می‌سازد این نکته است که این تفاوت‌ها در شریعت اسلامی هرگز به معنای ارزش‌گذاری جنسیتی خاص نبوده و فقط تبیین‌گر

ابعاد حقوقی زندگی دو جنس برای تنظیم معیشت انسانی بوده و در عرصه‌های اخلاقی و انسانی اثری ندارند (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۲۱-۱۲۶).

از سویی نتایج پژوهش‌های دیوبند (۱۳۹۰) نجاتیان، باقری و شرقی (۱۳۸۳) و بارون و بایرون (۲۰۰۴) مؤید این مطلب هستند که قبول تفاوت‌های جنسیتی و شناخت و درک الگوهای رفتاری خود و طرف مقابل، در زندگی زناشویی، موجب افزایش رضایت زناشویی، کاهش خشونت‌های جنسی و ناسازگاری زناشویی می‌گردد.

همچنین این نتیجه مؤید پژوهش‌های رحمانی و همکاران (۱۳۹۰) بخشایش و مرتضوی (۱۳۸۷) رضایی پور و همکاران (۱۳۸۲) هانی و بائورنگ (۲۰۰۴) و اسمانتالیز و گوردون (۲۰۰۵) می‌باشد که نشان دادند رضایت از زندگی زناشویی به میزان زیاد با رضایت از درک نیازهای جنسی و جنسیتی زوجین در ارتباط است (ر.ک: راستگو، ۱۳۹۳).

در این پژوهش سعی شده در خلال احکام، آداب و توصیه‌های اسلامی به صورت جامع تری به نقش تمکین - به عنوان یک سیاست راهبردی مهم در لزوم شناخت و درک تمایزات جنسی و جنسیتی و نقش آن در کسب رضایت زناشویی و استحکام روابط خانواده- بررسی شود.

فرضیه این تحقیق بر این امر استوار است که تحلیل احکام و آداب صادره از شرع در خصوص تمکین زوجین و ارائه اطلاعات و تحلیل صحیح در خصوص تفاوت‌های زن و مرد در این زمینه و در ابراز عشق، نه تنها احتمال بهبود مهارت‌های عملی را افزایش می‌دهد بلکه باعث اصلاح بسیاری از باورها، اندیشه‌ها و رفتارهای نادرستی می‌شود که از مهمترین اسباب و عوامل نارضایتی جنسی و زناشویی است.

در مقابل عدم تبیین درست این تفاوت‌ها عموماً منجر به عدم قبول تفاوت‌های جنسی و جنسیتی، و انتظار و توقع تکالیف و حقوقی مساوی و برابر از سوی زوجین؛ خواهد شد که نتایج ناگوار متعددی در برخواهد داشت که از آن جمله، بی معنا شدن نقش مادری و همسری، کاهش جذابیت زن و مرد برای همدیگر، کم شدن انگیزه تشکیل خانواده، افزایش طلاق و... از جمله پیامدهای آن است.

۱. تمکین جنسی

تمکین در لغت به دو معنا است:

- سلطه و اختیار دادن به دیگری است: (تَمَكَّنَا) جَعَلْتُ لَهُ عَلَيْهِ سُلْطَانًا وَقُدْرَةً (تَمَكَّنَ) مِنْهُ (قیومی مفری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۹۸).

• مستقر کردن و تثبیت کردن: قوله (مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ) أَي ثَبَتْنَاهُمْ وَمَلَكْنَاهُمْ وَاسْتَمَكَّنَ الرَّجُلُ مِنَ الشَّيْءِ، وَتَمَكَّنَ مِنْهُ بِمَعْنَى أَي قَدَرَ عَلَيْهِ (طریحی، بی تا، ج ۶، ص ۳۱۷). اما در اصطلاح فقهی، آنچه شهرت یافته است: تمکین به اظهار اطاعت زوجه از زوج تعبیر می‌شود. البته در کارهایی که اطاعتش بر زوجه لازم است^۱ (هندی، بی تا، ج ۷، ص ۵۵۸). منظور از تمکین خاص زوجه اطاعت زن در مسائل مخصوص زناشویی می‌باشد که در صورت تقاضای استمتاع زوج، تسلیم شدن زن در برابر خواسته‌ی مرد می‌باشد زوج مکلف است که با رعایت مسائل شرعی، نیاز جنسی همسر خود را برآورده (مرتفع) سازد. بنابراین اگر در زمان یا مکان دلخواه خود یا طبق خواسته خویش، خود را در اختیار زوج قرار دهد، تمکین خاص محقق نخواهد شد. حتی اگر از جهت نوع رابطه زناشویی نیز تمکین کامل را نداشته باشد، مثلاً اگر مانع استمتاع مختلف زوج از خویش گردد، به شکلی که زوج صرفاً مأذون در نوع خاص از استمتاع و بهره‌بری جنسی قرار گیرد، نیز ناشزه محسوب می‌گردد (نجفی الجواهری، ۱۳۶۲ش، ج ۳۱، ص ۳۰۳).

تمکین خاص در عقد ازدواج دائم قدر متیقن از اسباب وجوب نفقه بر مرد می‌باشد، و عدم تمکین خاص در چنین عقدی موجب نشوز و منع استحقاق نفقه خواهد شد. البته در بعضی از عذرهای شرعی اعم از حیض، نفاس، روزه واجب، عذرهای پزشکی؛ ترک منزل چنانچه بودن زن با شوهر متضمن «خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی باشد و وجود «امراض مقاربتی» در زوج صرفاً اگر پس از عقد حادث شده باشد، موجباتی هستند

۱. التَمَكُّنُ التَّامُّ هُوَ التَّخْلِيَةُ التَّامَّةُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ نَفْسِهَا كُلِّ حِينٍ، وَكُلُّ مَكَانٍ يَحُلُّ فِيهِ مَا يَرِيدُهُ مِنْهَا وَيَلِيقُ بِهَا.

که به رغم امتناع از تمکین خاص، مانع حق نفقه نخواهند بود (نجفی الجواهری، ۱۳۶۲ ش، ج ۳۱، ص ۳۰۳).

علاوه بر قیودی مانند عدم وجود مانع شرعی و عقلی در تمکین، برخی فقهاء مانع عرفی را هم دخیل دانسته‌اند با استناد به قاعده معاشرت به معروف نیز کیفیت و کمیت روابط جنسی زناشویی، باید متعارف و عقلایی و با لحاظ حفظ کرامت انسانی زوجه باشد. مثال عرفی منع عرفی: تمکین از دبر است، که مشهور فقهاء فتوا می‌دهند که بدون رضایت زوجه این کار کراهت شدید دارد^۱ (نجفی جواهری، ۱۳۶۲ ش، ج ۲۹، ص ۱۰۸؛ قمی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۴؛ اصولی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۶۰) و بعضاً فتوی به حرمت آن داده‌اند^۲ (خویی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۳؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۶۰۶؛ اصولی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۶۰).

از نقطه نظر فقه تربیتی نیز وقتی رفتاری محکوم به کراهت شدید می‌شود، بالاخص در حوزه تعامل با دیگران، به خاطر مفاسدی است که موجب ایجاد تنش و اصطکاک بین آنان می‌گردد.

احکام تمکین زوجه شامل تمکین خاص و عام است که در ادامه به بیان و تحلیل تربیتی آنها خواهیم پرداخت. در مقابل به پرداخت نفقه به عنوان تکلیف متقابل زوج اشاره کرده و به تحلیل تربیتی آن می‌پردازیم.

۲. آثار رضایت از تمکین جنسی در استحکام و بهبودی روابط خانواده

دانشمندان بر این نکته تأکید کرده‌اند که «مسائل جنسی» در زناشویی، نقش مهمی را بازی می‌کنند و داشتن روابط جنسی مطلوب از ضروریات هر خانواده می‌باشد. تجربه ثابت کرده‌است اغلب اشکالات خانوادگی مستقیماً یا به طور غیرمستقیم معلول عدم تأمین درست نیاز جنسی بوده و عامل جنسی در سعادت زناشویی نقش مهمی را بازی می‌کند (جبل عاملی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۹؛ بخشایش و مرتضوی، ۱۳۸۸، ش ۱۲، ص ۷۳).

۱. فالأحوط وجوباً ترک الأحوط ترک الوطء فی الدبر مطلقاً؛ سیستانی: بنا بر احتیاط وطی زن در دبر اگر راضی نباشد، چه حائض باشد چه نباشد، جایز نیست.

۲. فالمتجه حینئذ حمل نصوص المنع علی الکراهة کما أوماً إلیه نصوص الجواز بلفظ «لا أحب» و «إنا لا نفعله» ونحو ذلک أو علی التقیة من العامة، فإنه مذهب من عدا مالکا وجماعة من الشافعية.

در مقابل به گفته برخی کارشناسان، نارضایتی جنسی از مهم‌ترین عوامل طلاق است و بیش از ۵۰ درصد طلاق‌ها ناشی از مشکلات و اختلالات جنسی می‌باشد. برخلاف برخی گمان‌ها، رابطه‌ی جنسی زن و مرد نه تنها یک رابطه‌ی جسمی-شهوانی نیست بلکه آثار بسیاری در روابط زناشویی دارد، این رابطه برای مردان عاملی برای تقویت حس اعتماد به نفس، رهایی از تنش‌های روزانه، افزایش صمیمیت و بالابردن حس حمایت‌گری آنان از زنان است. تأثیر روابط جنسی در استحکام زناشویی به قدری است که برخی ابراز کرده‌اند با وجود علاقه‌ی بسیاری که به همسر خود دارند، دیگر قادر به ادامه زندگی با او نیستند؛ زیرا او همواره از برقراری رابطه‌ی جنسی طفره می‌رود. ناکامی جنسی در مردان آثاری از قبیل افسردگی، کم‌حرفی با همسر، افزایش احتمال روابط مشروع یا نامشروع با دیگران، تمایل به اعتیاد و بی‌انگیزگی را در پی خواهد داشت و این ناکامی در زنان به دلیل آنکه نیاز جنسی خود را به صراحت بیان نمی‌کنند احتمال ناسازگاری، بهانه‌جویی، سلطه‌گری، سرگرم کردن خود به امور مختلف، خودنمایی جنسی و حتی برقراری روابط نامشروع را افزایش می‌دهد (قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۸۳).

نارضایتی از رابطه جنسی می‌تواند به مشکلات عمیق در روابط زوجین و ایجاد تنفر از همسر، دلخوری، حسادت، رقابت، حس انتقام‌گیری، تحقیر، نبود اعتماد به نفس و نظایر آن منجر شود. این مسائل توسط تنشها و اختلافات، تقویت شده یا در قالب آنها تجلی و بروز می‌یابد و به تدریج شکاف بین همسران را عمیق‌تر می‌سازد (ر.ک: شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۵).

همچنین در مطالعه‌ای روی زنان متأهل ۱۸ تا ۵۰ سال دریافت شد؛ با افزایش میزان رضایت جنسی زنان، می‌توان به ادامه زندگی و سازگاری زناشویی زوجین کمک کرد. نتیجه پژوهشی درباره متقاضیان طلاق مراجعه‌کننده به مجتمع‌های قضایی خانواده ۱ و ۲ شهر تهران حاکیست؛ ۶۶/۷ درصد مردان و ۶۸/۴ درصد زنان از زندگی جنسی با همسران‌شان راضی نبودند (اخوان تقوی، ۱۳۹۰، ص ۲۸).

از این رو امر شارع به لزوم تمکین جدای از مصلحتی ویژه و خاص که شارع در آن دیده و به همان جهت، تمکین را برای زوجین الزامی دانسته است؛ از نگاه و بعد تربیتی نیز سبب رشد و بالندگی زوجین در ابعاد متعدد شخصیت انسانی من جمله مسئولیت پذیری، ایثار و از خود گذشتگی خواهد شد.

در این راستا باید گفت با توجه به آراء فقهی و فرمایشات حضرات معصومین، تمکین جنسی زن از شوهر، به لحاظ وجوب یا استحباب متفاوت است. همانطور که گذشت اصل کلی حاکم بر تمکین جنسی زن از شوهر آن است که بر زن واجب است به درخواست جنسی همسرش بدون وجود دلیل شرعی پاسخ منفی ندهد و مکلف است حق وی را در این باره به طور کامل ادا کند، اما توصیه های متعددی که مستحب است زوجه به آنها پایبند باشد، به تحکیم روابط زناشویی تاکید دارند.

نظر به روایاتی که در ادامه خواهد آمد، این توصیه ها بیشتر شامل «لزوم خودآرایی و ابراز اشتیاق زن در هنگام خلوت با همسر» «عرضه نمودن خود به شوهر» و «کاستن از حیا و خودداری و رفع موانع در برابر شوهر» است. رسول خدا در میان ویژگی های بهترین زنان می فرماید: «از بهترین زنان، زنی است که هنگامی که همسرش با وی خلوت کرد، آنچه را شوهر از او درخواست می کند، برآورده سازد و خودآرایی و اشتیاق را، آنچنان که مرد ترک می نماید، ترک نکند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۹).

مهمترین توصیه در تمکین جنسی زن این است که در هیچ حالتی، حتی هنگامی که مرد اشتیاقی به سمت زن نشان نمی دهد، خودآرایی و زینت و همچنین بروز اشتیاق و آمادگی به سوی مرد با بهره گیری از حالاتی زیبا و نیکو را ترک نکند. به این مفاهیم در روایات دیگری نیز اشاره شده و زن را به افزایش اشتیاق و آمادگی، کم کردن حیا و نیز رفع موانع رابطه ی جنسی توصیه کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۴-۳۲۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۶۴).

چنین احادیثی حکایت از آن دارد که دین مبین اسلام وظیفه‌ی زن در تمکین جنسی را فراتر از رفع حاجت مرد می‌داند و از همین روست که بر تأثیر و نقش فعالانه‌ی زن در روابط زناشویی تصریح و تأکید می‌کند.

در واقع خودآرایی و زینت زن و محبت و اشتیاق وی موجب جلب توجه بیشتر مرد گردیده، باعث خواهد شد، مرد نیز به همان مراتب سعی در ایجاد اشتیاق و محبت نسبت به زن نماید. علاوه بر آنکه این تبادل محبت و اشتیاق مانع از آن خواهد شد که وی جذب زنانی شود که با خودآرایی و خودنمایی قصد در جلب توجه مردان دارند.

متأسفانه روزمرگی و عادت یکی از بزرگترین آسیب‌هایی است که زوجین دچار آن می‌شوند. ارتباط زوجین در ماه‌های اول آشنایی همواره مقرون به اهمیت آن دو بر توجه به ظاهر خود است. در ملاقات‌های اولیه از بهترین لباس، عطر و آرایش بهره می‌برند؛ لکن پس از چند سال از زندگی مشترک، به خاطر اشتغال به امور روزانه، این حساسیت و توجه به حداقل میزان خود می‌رسد. تا آنجا که فقط به مجالس عروسی یا مهمانی‌های ویژه خانوادگی خلاصه می‌شود.

از این رو اسلام به زن توصیه می‌کند، همواره متوجه نقش فعال خود در تازگی و زیبا ماندن خویش باشد. مبدا اشتغال به امور خانه و روزمرگی‌ها سبب شود، وی نسبت به آرایش و خودنمایی خود برای شوهر غفلت کند. همچنین نباید فراموش کرد که این تکلیف صرفاً نباید مستلزم درخواست مرد باشد؛ بلکه چه مرد خواستار رابطه باشد، چه نباشد، زن بایستی به صورت فعال مراقب زیبایی خود باشد. چرا که مردها به سبب اشتغال و خستگی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی، ممکن است در طول هفته دو یا سه بار تقاضای رابطه جنسی داشته باشند. اما خودنمایی و زیبایی زن در طول هفته در مقابل شوهر سبب تازگی و طراوت بخشی به کانون خانه و خانواده خواهد شد.

همچنین توصیه‌های استجابی نیز به مردان مبنی بر لزوم نظافت، زینت و نیز انجام دادن امور مقدماتی در مباشرت با همسر دیده می‌شود که در راستای افزایش کیفیت

روابط زناشویی و توجه به نیازهای زوجه بوده و اهمیت نقش مرد در حفظ عفت زن را متذکر می‌گردد.

در این باره نقل شده که راوی می‌گوید: «بر حضرت امام هفتم وارد شدم که به رنگ سیاه خضاب بسته بودند ایشان فرمود: در خضاب پاداش و ثواب است، خضاب و زینت مرد بر عفت زنان می‌افزاید، همانا زنانی عفت خود را رها می‌کنند که شوهرانشان خود را زینت نکرده و ژولیده و کثیف ظاهر می‌شوند» (طبرسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۵۰).

همچنین در روایات اسلامی، به مردان در انجام مقدمات مقاربت توصیه‌های مؤکدی شده و ایشان را از انجام دادن روابط یک سویه که منجر به عدم تلذذ زن گردد، نهی فرموده است (حرالعالمی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۱۸).

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده که فرمودند: «سه چیز است که جفا و ظلم‌اند... سوم: آمیزش قبل از شوخی و ملاعبه است»^۱ (حرالعالمی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۱۹).

از این روایات این نکته به روشنی آشکار می‌شود که رابطه یک طرفه جنسی مردان، که در آن به نیاز جنسی زن توجهی نمی‌شود، از مصادیق ظلم و ناپسند شمرده می‌شود. قطعاً بی توجهی مستمر مرد به این نیاز زمینه بدخلقی، بهانه گیری، نزاع‌های متعدد، که عموماً دلیل موجهی ندارند؛ را از سوی زن موجب می‌شود.

توجه به این نکته به خاطر فرآیند متفاوت هر دو جنس زن و مرد در رسیدن به اوج لذت جنسی است. مردان برای رسیدن به اوج لذت جنسی به زمان متوسط ۲ تا ۵ دقیقه نیازمند هستند. این زمان در یک زن سالم به طور متوسط ۱۳ دقیقه است. از این رو به مردان توصیه‌های مؤکدی شده که ملاعبه و نوازش و... را به عنوان مقدمه انجام رابطه جنسی به کار بگیرند تا در رسیدن به اوج لذت جنسی با زن هماهنگ شوند. از این رو پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: گاهی سر بر بالین همسرتان بگذارید، با او گفتگو

۱. عبدالله بن جعفر فی (قرب الاستاد): عن السندي بن محمد، عن أبي البختری، عن أبي عبد الله عليه السلام، عن أبيه، عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثة من الجفا: أن يصحب الرجل الرجل فلا يسأله عن اسمه وكنيته، وأن يدعى الرجل إلى طعام فلا يجيب وأن يجيب فلا يأكل، ومواقع الرجل أهله قبل الملاعبة.

کنید، کلمات سوزان و عاشقانه رد و بدل کنید و یکدیگر را در آغوش بفشارید چرا که عشق‌بازی با همسر سرگرمی مؤمن است (شیخ کلینی، ج ۵ ص ۵۰۸).

در واقع زن تمایل به شنیدن واژه‌های شیرین دارد تا نگاه کردن به شکل و اندام مذکر. حساسیت زن به شنیدن تعریف‌های بی نظیر چنان قوی است که حتی بعضی از زن‌ها هنگام شنیدن نغمه‌های عاشقانه از طرف محبوبشان چشمان خود را می‌بندند. در حالی که مرد از طریق چشم تحریک می‌شود. مغز مرد برای نگاه کردن به شکل و اندام مؤنث برنامه ریزی شده است.

همچنین مردان باید توجه داشته باشند که میل جنسی زن به طور قابل توجهی تحت تأثیر اتفاقات زندگی او است. اگر از زندگی زناشویی خود نفرت داشته باشد، رابطه جنسی برایش مفهومی نخواهد داشت. تنها چیزی که به آن نیازمند خواهد بود، تنهایی رفتن به رختخواب و خوابیدن است. از همین رو سفارش زیادی از سوی معصومین علیهم السلام نسبت به حسن برخورد با زن شده است. امام صادق (علیه السلام) از پدرش چنین روایت کرده است: «وقتی با زنی ازدواج می‌کنید، احترامش کنید، او، مایه آرامش شماست. زنان را آزار ندهید و حقوق آنان را ضایع نکنید» (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۱۰۰، ص ۲۲۴). حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «در هر حال با زنت مدارا کن و با او به نیکی رفتار نما؛ تا زندگی لبریز از صفا و صمیمیت باشد» (حرعاملی، ج ۷، ص ۱۲۰، باب ۸۷، ح ۳).

۳. اطاعت پذیری زوجه از زوج (تمکین عام)

نهاد خانواده یکی از موثرترین نهادهای تربیت نسل آینده برای جامعه است. از این رو داشتن فضایی بدون کشمکش و نزاع از ضروری ترین نیازهای کیان هر خانواده است. از سویی هر نهادی که که فاقد مدیر و سرپرست باشد، تنش و هرج و مرج، از عوارض حتمی و اجتناب ناپذیر آن خواهد بود. با تأمل در خصوصیات جنسیتی زن و مرد، می‌بینیم که زن از نظر عواطف، بر مرد برتری دارد و این برتری زن متناسب با فرزندپروری اوست، و مرد از نظر فکر، اندیشه و دوراندیشی بر زن برتری دارد و چون در اداره امور به تعقل و دوراندیشی نیاز است، عقل سلیم حکم می‌کند که بارسنگین و پر مسئولیت اداره خانواده

را باید برعهده مرد نهاد. از این رو بر زن لازم است که در خصوص مدیریت امور کلان خانواده تابع رأی و نظر همسر خویش باشد. لیکن براساس اصل مشورت در مدیریت که در مواردی قرآن بر آن تأکید دارد مثل امر رضاع که می‌فرماید: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ وَتَشَاوُرٍ» (بقره: ۲۳۲) و در سوره طلاق که می‌فرماید: «وَأَتِمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» (طلاق: ۶) بر مرد هم لازم است در امور مرتبط با مسائل درون خانه توجه تام به نظرات و نیازهای زوجه داشته باشد. زیرا مدیریت در نظام قانونگذاری بر پایه مشورت قرار دارد. این امر هم در مدیریت خارج منزل و هم در درون خانواده به طور مستند لحاظ گردیده. در بین فقها در تعیین دامنهی ریاست مرد بر خانواده مانند بسیاری از مسائل دیگر، اختلاف نظر وجود دارد، البته می‌توان آراء و نظرات آنان را در دو گروه عمده بیان کرد. گروهی از فقها قلمرو ریاست شوهر بر زن را محدود به روابط زناشویی دانسته‌اند و گروهی دیگر ریاست شوهر بر زن را به صورت عام دانسته و آن را مقید به رابطه‌ی زوجیت و امور زناشویی نمی‌دانند و هر کدام نیز دلایل و استدلال‌های خاص خود را مدنظر داشته‌اند.

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در این مسأله چنین فتوا دارند: «اگر زن بدون اجازه شوهر، سفری برود که بر او واجب نباشد، چنین سفری، معصیت است و باید نماز را تمام بخواند ولی اگر مثل سفر حج، واجب باشد، باید نماز را شکسته بخواند» (خمینی، ۱۳۶۸ق، ج ۳، ص ۱۴۸، س ۸۱۰).

آیت الله «خویی» (رحمت‌الله‌علیه) نیز بیان می‌دارد: «خروج زن از منزل بدون اذن شوهرش در صورتی که خروج وی منافی با حق استمتاع شوهر باشد، جایز نیست بلکه بنا بر احتیاط به طور مطلق نمی‌تواند بدون اذن شوهر از خانه خارج شود و اگر خارج شد ناشزه است» (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۸۸).

تمکین عام اطاعت زن از مرد است در امور زندگی زناشویی مثل قبول سکونت در خانه‌ای که شوهر انتخاب کرده و عدم خروج زن از خانه بدون اجازه شوهر و نیز تمکین عام عبارت است از حسن معاشرت زن با شوهر خود و پیروی از او در امور مربوط به زناشویی (شریف، ۱۳۷۶، ص ۵۶).

آیت الله مکارم شیرازی اما معتقد به دامنه مضیق برای ریاست شوهر است:

سؤال: آیا اطاعت نکردن زن از شوهر در غیر مسائل واجب و مستحب حرام است؟

جواب: اطاعت زن از شوهر مربوط به حقوق زناشویی و بیرون رفتن از منزل است، در کارهای دیگر اطاعت بر او واجب نیست، هر چند بهتر است زن و مرد در تمام مسائل با هم تفاهم داشته باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۲۱۰).

از جمله لوازم اطاعت زوجه از زوج این است که با اذن زوج از منزل خارج شود و در این زمینه بر خلاف نظر زوج اقدام نکند.

اصل لزوم استیذان زوجه برای خروج از منزل، با استناد به روایاتی^(۹) از سوی فقهاء پذیرفته شده است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۲، ص ۳۳۴) و آنچه بحث و اختلاف نظر در آن وجود دارد این است که محدوده و قلمرو نیاز به اذن برای خروج از منزل چه مقدار است؟ بعضی از فقهاء در این خصوص احتیاط واجب دارند که زوجه باید در غیر مواردی که خروج با حق استمتاع زوج تنافی دارد نیز از زوجه اذن بگیرد.

به عنوان مثال آیت الله حکیم (رحمت الله علیه) در خصوص مسئله جلوگیری از بارداری؛ چنین فتوا دادند: «زوجه در خصوص عدم بارداری اگر امتناع از بارداری با استمتاع زوج تنافی داشته باشد، بدون رضایت زوج نمی تواند مانع استمتاع زوج گردد. اما در غیر این صورت باز احتیاط واجب است که از زوج کسب اجازه کند» (طباطبائی حکیم، ۱۴۳۰ ق، ج ۱، ص ۷۶).

بعضی از متأخرین از فقهاء نیز تصریح دارند که زوجه در حدود اختیارات خودش مستقل است و فقط زمانی این اختیارات محدود می شود که با حق استمتاع زوج تنافی داشته باشد (سزواری، بی تا، ج ۱۹، ص ۱۶۵).

البته همان طور که گذشت هر چند زوجه در غیر مواردی که خروج وی با حق استمتاع زوج منافات دارد، نیازی به کسب اذن ندارد؛ لکن تحصیل رضایت و اذن زوج در این موارد نیز مستحب است.

از سویی بسیاری از فقها بیان داشته‌اند که مستحب است شوهر به زن اجازه دهد که وی در مراسم سوگواری پدر و مادرش شرکت کند. صاحب جواهر بیان می‌کند که: «مستحب است شوهر اجازه دهد زن در مراسم تشییع پدر و مادرش شرکت کند زیرا در منع خروج زن از منزل برای حضور در این مراسم مشقت و نگرانی روانی و قطع رحم است و این گونه ممانعت‌ها اغلب از مصادیق ایجاد ضرر روحی و روانی بر همسر بوده و با آیه‌ی شریفه «عاشروهنّ بالمعروف» (نساء: ۱۹) به طور قطع سازگاری ندارد» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۱۸۳).

به نظر می‌رسد تعلیل آیه ۳۴ سوره نساء، تا حدود زیادی بیانگر حدود ریاست شوهر بر خانواده است. آنجا که می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» ریاست شوهر بر خانواده به خاطر دو علت است. یکی از آن جهت که مدیریت اقتصادی خانواده و تأمین معیشت آن به عنوان یک تکلیف بر عهده ایشان است، لذا این حق را نیز دارند که نسبت به آن اختیارات کامل داشته باشند. از این رو زن حق ندارد در خصوص تصرفات مالی بدون اجازه شوهر اقدامی انجام دهد. همچنین از آنجا که تکلیف به انفاق حق استمتاع و تمکین از زوجه را برای زوج ایجاد می‌سازد، زوجه موظف است نسبت به این حق تابع خواست و اراده شوهر باشد. در واقع از خصائص منحصر به فرد شریعت اسلامی در باب نکاح که سائر نظام‌های حقوقی آن را بر نمی‌تابند، این است که انفاق برای زوج و تمکین برای زوجه حکم شرعی و امر قانونی است که نمی‌توان بر خلاف آن توافق کرد.

از سویی در آیه اشاره به یک بعد و خصوصیت دیگری از مرد دارد که ناظر به همان بعد تفکر، تعقل و دوراندیشی مرد است، به نحوی که در اجتماع یک زن و یک مرد، این مرد است که صلاحیت تکفل و تدبیر امور را خواهد داشت. از این رو محدود دانستن حق ریاست شوهر بر روابط زناشویی هم بر خلاف ظاهر آیه است هم موجب لغو و عبث بودن تشریع ریاست شوهر خواهد شد. چرا که تمکین زوجه با ادله دیگری نیز قابل اثبات

است؛ و اگر بخواهیم حق ریاست شوهر را هم محدود به آن کنیم، تحصیل حاصلی خواهد بود که شارع حکیم از آن منزّه است.

۴. آثار اطاعت پذیری زوجه از زوج در استحکام روابط خانواده

اصولاً عزت و استقلال فردی می‌طلبد رأی و نظر هر کدام از اعضای خانواده از جایگاه خاص خود برخوردار بوده و احترام خود را دارا باشد. اما پروردگار جهان برای زوج نحوه‌ای از ریاست بر خانواده پیش بینی نموده است و این نیست مگر به جهت تفاوت‌های جسمی، وظایف اقتصادی که خداوند برای مردان نسبت به زنان قرار داده است، و همچنین به خاطر انفاق‌هایی که از اموال‌شان می‌کنند؛ «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (نساء: ۳۴) که البته این سرپرستی به این معنا نیست که در خانه، حرف، فقط حرف مرد باشد. بلکه سرپرست به معنای تکیه گاهی آرام و مطمئن برای دیگر اعضا خانواده در جهت رشد و تعالی همسر و فرزندان است.

بنابراین وظیفه زن و فرزندان است که اولاً: این اقتدار و استقلال را حق مسلم مرد دانسته و ثانیاً: آنرا رعایت نمایند.

غرض از قوام بودن مرد به معنای متکفل امر آنان است (ر.ک: مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق). بنابراین قوام به معنای تدبیر، اصلاح شئون، کوشش در حفظ و رعایت دیگری، متکفل امر او شدن است، و به معنای حاکمیت مطلق نیست بلکه تدبیر امور زن در همه شئون حتی رتق و فتق امور زناشویی، مصالح و منافع زن، رفع نیازهای او در همه جهات و حسن معاشرت با آنان است. از همین روی این امر به عنوان یک تکلیف قانونی بر عهده مرد قرار گرفته است. ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است. ریاست شوهر بر خانواده یک وظیفه اجتماعی است نه حق شخصی»، پس شوهر باید اختیار خود را به منظور حفظ سلامت و استحکام خانواده به کار ببرد. ریاست او بر خانواده به مفهوم کنونی خود از امور مربوط به نظم عمومی است و باید این حق و تکلیف را در جهت «تشید مبانی خانواده» اعمال نماید و نمی‌تواند از آن سوء استفاده نماید. از سویی اگر ریاست و اقتدار مرد که از ویژگی‌های درونی اوست توسط فرزندان و مخصوصاً همسر

حفظ و رعایت نشود مرد برای تأمین این نیاز دست به مقابله زده و از اهرم‌هایی مانند فریاد زدن استفاده نموده و یا خود خوری نموده و دچار خود کم بینی می‌شود و بدیهی است آثار مخرب این عدم تأمین نیاز، به همسر و فرزندان بازگشته، بچه‌ها در امر تربیت دچار دوگانگی می‌شوند. چون وقتی تکیه گاهی و اقتدار مرد توسط زن، رعایت نمی‌شود فرزندان نمی‌دانند در مسائل تربیتی خویش به چه کسی رجوع کنند. پدر یا مادر!

فلسفه این امر از این جهت است که او در بعد جسمی با زن تفاوت‌های دارد و به واسطه این تفاوت‌ها برای اداره خانواده توانایی بیشتری دارد. علاوه بر این، تأمین هزینه زندگی نیز بر عهده اوست. گرچه زن نیز از لحاظ عاطفی بر مرد غلبه دارد و هیچ کدام از این برتری‌ها، نشانگر نقص وجودی آن‌ها نیست. بلکه هر یک متناسب با جنسیت خود، توانایی‌های خاصی دارند و هماهنگ کردن این توانایی‌ها با مسئولیت‌ها، سعادت خانوادگی زن و مرد را تأمین می‌کند.

بر خلاف رویه مکاتب غیر انسانی و فتنه انگیز فمینیستی و غربی، که نقش سازنده مرد را در زندگی زیر سؤال می‌برند و اصول مسلم انسانی و دینی همچون غیرت را مخدوش می‌سازند، یکی از وظایف اصلی زن اطاعت از همسر خود در چهارچوب ضوابط شرعی و عقلی است.

بنابراین، باید گفت: منظور از فرمان برداری چیزی جز ایجاد محبت و صمیمیت در خانواده و از سوی دیگر، استحکام ارکان اساسی زندگی مشترک نیست که این رضایت الهی را در پی خواهد داشت. نه آنکه زن چون اسیری در چنگال مرد قرار گیرد و از حقوق اجتماعی خود محروم باشد.

رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مردانی را که از این حق سوء استفاده کرده، بر زنان ظلم و ستم می‌کنند، مورد نکوهش قرار داده، می‌فرماید: «ملعون است، ملعون است کسی که اهل و خانواده خود را ضایع کند» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۱۲۲).

در واقع، آن حضرت با گفتار خویش، از زنان خواسته‌است بر اساس مدیریت همه جانبه مردان بر خانواده به نظرات و خواهش‌های مطلوب آنان پاسخ دهند و مردان را نیز از تعدی به حقوق آنان و از بین بردن آزادی مورد نیاز آنها باز داشته‌است.

اسلام زنان را به حضور در خانه و پرداختن به امور خانه تشویق می‌کند، و پاداش جهاد را برای این کار آنان در نظر گرفته‌است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۵۰۷).

این امر تا آنجا اهمیت دارد که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در خصوص آن می‌فرماید: «همانا شوهرداری نیکوی زن، تحصیل خشنودی او و توافق در اصول و پیروی از او، ارزش و پاداشش معادل ارزش و پاداش همه جماعت‌ها و جهاد و حج مردان است» (حسون، ۱۳۳۸ق، ج ۱، ص ۶۷).

موضوع عدم خروج از خانه حتی در جایی که زن بخواهد برای اقامه نماز که امری عبادی است از خانه خارج شود، نیز باز تأکید شده‌است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «به تنهایی و در خانه نماز خواندن زن، مثل نماز در جمع است، درحالی‌که بیست و پنج درجه فضیلت دارد» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۳).

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «بهترین مساجد برای زنان شما، خانه‌هایشان است» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۳۸).

بنابراین توصیه اسلام به زن این است که محور فعالیت‌های خود را در خانه بجوید، زیرا اسلام کمال زن و نقش زن در زندگی و کانون خانواده را در این می‌بیند که وی به امور خانه، شوهرداری، و تربیت فرزندان پرداخته و امور مربوط به خارج از خانه را به مردان بسپارد.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: بهترین زنان کسی است که فرزندآور، مهربان، عفیف، و در میان اهل خود، گرمی‌باشد؛ آنکه که با همسر خود نرم و آرام است و برای شوهرش زینت می‌کند و در قله‌های محکم عفت خود را حفظ می‌کند.

پر واضح است که اشتغالات به این امور جز در خانه محقق نخواهد شد.

اما از سوی دیگر اسلام توصیه‌های فراوانی به مردان دارد که با خانواده و بالاخص زنان رفتاری با عطف و مهربانی داشته باشند. این فرمایش امام صادق علیه‌السلام؛ یک جمله «دوستت دارم» از ذهن و دل یک زن بیرون نمی‌رود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۳). حکایت از روح و عظمت عاطفه‌ای است که خدا در وجود زن نهاده است. لذا این روحیه هرگز بر خورد خشونت آمیز و استبدادی را نمی‌تواند تحمل کرده و قطعاً دچار آسیب خواهد شد. خودخواهی و سخت‌گیری‌های بیجای مرد منجر به ایجاد روش استبدادی در خانواده می‌شود و به روابط سالم بین افراد خانواده و نیز تربیت صحیح فرزندان لطمه وارد می‌سازد. بی‌توجهی به این نکته و سخت‌گیری بیش از حد، عواقب زیان باری همچون از بین رفتن محبت، ایجاد نفرت، جدایی روحی و روانی و ایجاد محیط خفقان آور در خانه را در پی دارد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) حتی از اینکه مرد در مورد غذا و نوع آن استبداد به خرج دهد نهی کرده و او را به همراهی و همدلی با همسران دعوت نموده است: مؤمن به میل همسر، و خانواده‌اش و خواسته او غذا می‌خورد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۵۰). پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) آزار و اذیت بانوان را در زندگی از بدترین گناهان می‌داند و در این باره، می‌فرماید: مردی که به همسرش ظلم کند، انفاق و عدل و حسنات او قبول نمی‌شود؛ تا آنکه همسرش راضی شود، و اگرچه روزها روزه باشد و شب‌ها شب زنده داری کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴).

در واقع، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) اساس زندگی را بر لطف و محبت می‌داند و از هر کاری که موجب از بین رفتن عشق و علاقه بین زن و شوهر می‌شود، نهی کرده و این از نکات ویژه تربیتی در همسرداری است. ارضای جنسی، مدارا، عدالت ورزی و غیرت دینی از وظایف دیگری است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) آنها را به عنوان حقوق زن بر شوهر بیان نموده است^۱ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۱۲۰).

۱. باب جمله من آداب عشرة النساء.

این در حالی است که جریان‌های فکری در عصر حاضر در حال شیوع حتی در جوامع اسلامی است، که در آن برخی سعی دارند بنیاد خانواده را درهم بکوبند، روابط خوب زن و شوهر را به هم بریزند و آن را طرد کنند.

نظام سرمایه داری برای دست یابی هر چه بیشتر به مال و ثروت، زنان را از خانه‌ها بیرون کشید و به کارخانه‌ها گسیل داشت و این امر، در رسانه‌ها با فریبی تحت عنوان، «حق آزادی به زنان» و تساوی حقوق با مردان، چنان بیچارگی و فلاکتی برای خانواده بوجود آورده که وصف ناپذیر است! امروز شاهدیم که خانواده‌ها دچار درگیری‌های زیادی هستند؛ درگیر مسائلی همچون: روابط سست و متزلزل و خالی از صفا و صمیمیت، طلاق و جدایی با آمار بالا و سرسام آور، فرزندان لایبالی و خالی از تربیت صحیح، سرباز زدن مردان از ازدواج دایمی، از بین رفتن غیرت ناموسی، افزایش فرزندان نامشروع و هزاران مشکل دیگر از این نوع که متأسفانه دامن گیر جوامع اسلامی نیز شده است.

گفتارها و رهنمودهای زیبای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این بحبوه نابسامانی‌های خانواده و روابط نامطلوب بین همسران، می‌تواند بهترین راهگشای مشکلات خانواده‌ها باشد.

۵. عهده داری تامین اقتصادی خانواده (انفاق زوج)

از تعریفی که از نشوز زوج ارائه شد، می‌توان چنین استظهار کرد که عموماً تمکین خاص زوج عبارت از پرداخت نفقه می‌باشد. کما این که در مبانی منهاج الصالحین، پیش بینی دادخواست الزام به تمکین از سوی زوجه چنین مقرر گشته است که در صورت نشوز زوج، زوجه می‌تواند در قدم اول با وعظ از وی مطالبه کرده و در صورت امتناع از پرداخت حقوق وی، از وی نزد حاکم شرع شکایت کند تا وی زوج را به اعطای حقوق زوجه ملزم سازد (طباطبائی قمی، ۱۳۰۱، ج ۱۰، ص ۲۲۰).

در میان فقهای شیعه نیز وجوب پرداخت نفقه زن، امری اجماعی و متفق علیه به شمار می‌رود بلکه این امر به گفته مؤلف «جواهرالکلام» در بین امت اسلامی اجماعی است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۳۰۱).

اما اینکه نفقه شامل چه مواردی و تا چه میزانی هست؛ در فتاوای فقهی اندکی اختلاف وجود دارد.

در «جواهرالکلام» بیان شده: «مایحتاج زن از جمله غذا، البسه، مسکن، خادم و وسائل آشپزی که به طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۳۳۱). بعضی از فقها، مصادیق دیگری به آن اضافه نموده‌اند، همانند: «وسائل تنظیف و آرایش از جمله شانه، کرم، صابون و هزینه حمام در صورت نیاز» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۴۶۹).

مرحوم محقق حلی، در «شرایع الاسلام» در این باره می‌نویسد: «اما ضابطه در اندازه نفقه، تأمین آن چیزی است که زن به‌ان احتیاج دارد مانند: غذا، لباس، مسکن، خدمتکار، وسیله روغن [وسیله آرایش] که در این موارد از آنچه در زنان مانند او در میان اهالی متداول است تبعیت می‌شود» (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۵۱۹).

اما در بخش اندازه و مقدار نفقه، حدّ متعارف و معروف مذکور در عبارات فقها که نمونه آن گذشت؛ نسبت به چه کسی و کجا باید لحاظ شود؟
سه دیدگاه در میان فقها وجود دارد:

۱- آنچه متناسب با شأن و منزلت اجتماعی زن است. صاحب جواهر در بیان مقدار نفقه، معیار را زوجه و شان و منزلت اجتماعی وی می‌داند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۳۳۰).
۲- آنچه در جامعه معروف و متعارف است.

صاحب جواهر در بیان اقوال فقهاء در تبیین نوع عرفی که نفقه براساس آن باید پرداخت شود از شیخ طوسی نقل می‌کند که معیار قوت غالب شهر زوجین هست (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۳۳۱).

۳- آنچه با توان مالی مرد تناسب دارد.

صاحب جواهر در ادامه نقل فتاوای فقها می‌فرماید: «اگر زوج قادر به تأمین قوت غالب شهر نبود، پس بر وی همان چیزی که توان تأمین آن را دارد، واجب است. چرا که خداوند هیچ نفسی را به‌آنچه بدان قادر نیست، تکلیف نمی‌کند. صاحب کنز العرفان نیز معتقد است

اگر معیار حال زوجه باشد، نه توانایی زوج، در بعضی اوقات موجب می‌شود که خدا زوج را تکلیف بما لایطاق کند، چرا که ممکن است زوجه دارای منزلت اجتماعی بالایی باشد، و زوج انسانی از طبقه ضعیف باشد» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۳۳۳).

در انتها به جمع بندی اقوال پرداخته می‌فرمایند؛ که معیار در تعیین میزان و نوع نفقه زوجه، شان و منزلت اجتماعی زوجه است، و حتی قولی که قوت غالب شهر را معیار قرار داده بود، به نوعی بازگشت به منزلت اجتماعی زن می‌باشد که در آن بلاد زندگی می‌کند، اما اگر زوج معسر شود، در این صورت طبق آیه شریفه مذکور، معیار شرایط اقتصادی زوج خواهد بود.

۶. آثار تأمین اقتصادی خانواده در استحکام و بهبود روابط خانواده

هر چند عمده هدف از ازدواج تأمین نیازهای روانی، عاطفی و جنسی زوجین است، با این وصف، بسیاری از دعاوی مربوط به دعاوی خانواده مربوط به دعوی ترک انفاق، و دعاوی مالی خانواده است. انسان دارای سلسله مراتب نیازهایی است که نیاز به غذا، پوشش مناسب و مسکن از عمده‌ترین نیازهای اولیه وی محسوب می‌شود. در بهداشت روان زمانیکه نیازهای اولیه و پایه‌ای انسان‌ها تأمین نشود، سلامت روان او در معرض خطر قرار می‌گیرد که نتیجه این موضوع ایجاد اختلال و بیماری‌های روانی یا جسمانی است، بنابراین درآمد مناسب و تأمین بودن از نظر اقتصادی پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای افراد بوده و طبیعی است، زمانی که زوجین در امور اقتصادی دارای مشکلات جدی هستند، در تنگنا قرار گرفته که استرس ناشی از این تنگناها خانواده را دچار مشکل و حتی بحران می‌کند و عوارض منفی برای خانواده به همراه دارد.

به همین جهت تلاش مرد برای تأمین نفقه و مایحتاج خانواده - به عنوان تکلیفی که در برابر زن دارد - در منابع روایی از ارزش، اجر و ثواب ویژه‌ای برخوردار است.

امیرالمؤمنین کسب روزی حلال و ایجاد توسعه و رفاه در زندگی خانواده را از مصادیق حسن خلق مرد بر می‌شمارند (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۹۵).

از امام هفتم (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «کسی که در جستجوی رزق و روزی از راه حلال آن باشد تا خود و خانواده خود را اداره کند، همانند کسی است که در راه خدا جهاد کند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۱، ح ۴).

مرد به عنوان کسی که نفقه بر عهده اوست، باید تمام توان خود را به کار بگیرد. معنی دقیق آیهی «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا وَ سَعَهَا» این است که «از همه‌ی وسع و توان خودت باید استفاده کنی تا تکلیفت را انجام بدهی». معمولاً مرد اگر تلاشگر خوبی باشد، در خانم‌ها و زندگی مشترک اعتراض و ایراد و دلخوری وجود نخواهد داشت. معمولاً خانم‌ها و فرزندان همین که شاهد تلاش و زحمت واقعی مرد باشند، دیگر سخت نمی‌گیرند. غالباً غر زدن، گلایه‌مندی و توقعات وقتی مطرح می‌شود که گمان می‌کنند در برنامه‌ریزی پدر یا همسر خانواده خلأیی وجود دارد و خلأها تبدیل می‌شود به طرح توقعات و مسائلی که ممکن است خدای ناکرده مشکلات بعدی را به وجود بیاورد. هر چند ممکن است در طول زندگی مشترک زنان توقعات و انتظارات نابجایی پیدا کنند و با دلخوری، گلایه‌مندی و اعلان نارضایتی از وضع موجود، عرصه را بر مرد تنگ نمایند.

لذا مهمترین اثر تربیتی این احکام و روایات اخلاقی این است که زوج احساس می‌کند، نه صرفاً برای زوجه و فرزندان که برای کسب رضایت الهی و قرب به وی است که رنج و مشقت تأمین نفقه را متحمل می‌شود، و چنین انگیزه و نیتی بهترین مشوق برای بالابردن کیفیت تأمین مایحتاج زندگی خانواده محسوب خواهد شد.

از آن سودر روایات اسلامی، سپاسگزاری از همسر در هنگام وفور نعمت و رضایتمندی و سازش با همسر در هنگام تنگدستی وی از ارزش‌های مؤکد برای زنان در خانواده به شمار می‌روند.

امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «از بهترین زنان شما کسی است که هنگامی که نعمتی به او می‌رسد، شکرگزار باشد و هنگامی که نعمتی از او سلب می‌شود، راضی باشد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۶۱).

بنابراین می‌توان اذعان کرد، درحالی که مرد در پرداخت نفقه‌ی همسر خویش دعوت به تلاش هر چه بیشتر و رسیدگی شایسته به امور خانواده شده، زن نیز به صبر و سازش با وی در هنگام تنگدستی و شرایط سخت زندگی زناشویی و التزام به میانه روی و قناعت، توصیه شده‌است و این گونه بر توازن، همکاری و وحدت هر چه بیشتر زوجین تأکید شده‌است.

آنچه بیش از همه از این روایات به وضوح می‌توان فهمید این است که زن و مرد به قصد انجام فرامین الهی سعی در انجام وظیفه خود نسبت به یکدیگر هستند، و این نیت و قصد تقرب و معنویت بهترین آویزه و ریسمانی است که روابط بین زوجین را بیش از هر عامل دیگری، مستحکم تر می‌سازد.

نتیجه گیری

در تحلیل تربیتی احکام تمکین زوجین در فقه اسلامی و نقش آن در استحکام روابط خانواده، یافته های پژوهش به صورت سلسله وار و منسجم به شرح زیر قابل بیان است:

• تمکین زوجین، به عنوان یک حکم اساسی در فقه اسلامی، مبتنی بر تفاوت های جنسیتی و نقش های متمایز زن و مرد در خانواده است. این تفاوت ها صرفاً ناظر به تنظیم حقوق و تکالیف متقابل زوجین بوده و در عرصه اخلاقی و انسانی، ارزش گذاری خاصی میان آنان ایجاد نمی کند.

• تمکین خاص زوجه، به معنای پاسخ گویی به نیازهای جنسی زوج، واجب شمرده شده و رعایت آن از سوی زن، زمینه ساز رضایت زناشویی، تقویت اعتماد متقابل و کاهش تنش های خانوادگی است. عدم تمکین خاص، از مهم ترین عوامل بروز نارضایتی، اختلافات خانوادگی و تضعیف روابط عاطفی میان همسران به شمار می رود.

• تمکین عام زوجه، به معنای همکاری و اطاعت در امور کلان خانواده و پذیرش مدیریت شوهر در چارچوب ضوابط شرعی است. این نوع تمکین، نقش مهمی در ایجاد نظم، آرامش و اقتدار در ساختار خانواده دارد و موجب سامان دهی بهتر زندگی مشترک می گردد.

• ریاست مرد بر خانواده، محدود به مسائل زناشویی نبوده و در اداره امور خانواده نیز جاری است. با این حال، اصل مشورت و توجه به نیازها و دیدگاه های زن، از الزامات مدیریت صحیح خانوادگی در فقه اسلامی به شمار می رود. این ریاست، به معنای استبداد نبوده و مرد موظف است در جهت حفظ سلامت و استحکام خانواده عمل نماید.

• وظایف عاطفی و رفتاری زوجین نسبت به یکدیگر، از منظر فقه تربیتی، بسیار متنوع و هدفمند بوده و هماهنگ با فطرت انسانی است. مصادیقی چون حفظ کرامت همسر، همکاری در امور دنیوی و اخروی، آراستگی برای یکدیگر، حسن معاشرت و

پرهیز از رفتارهای آزاردهنده، از جمله این وظایف است که در استحکام روابط خانوادگی نقش کلیدی دارد.

- عدم رعایت تمکین و وظایف متقابل، اعم از خاص و عام، می‌تواند منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی، افزایش اختلافات، کاهش حس مسئولیت‌پذیری، و تضعیف بنیان خانواده شود. در مقابل، رعایت این احکام، موجب تقویت ایثار، محبت و مسئولیت‌پذیری میان زوجین و تربیت نسل سالم خواهد شد.
- توصیه‌های اخلاقی اسلام به هر دو جنس، اعم از رعایت نظافت، زینت، حسن معاشرت، و توجه به نیازهای عاطفی و روانی همسر، در تحکیم روابط خانوادگی و ایجاد محیطی آرام و امن برای رشد و تعالی اعضای خانواده تأثیرگذار است.
- در نهایت، تحلیل تربیتی احکام تمکین زوجین نشان می‌دهد که رعایت این احکام، نه تنها زمینه‌ساز تحقق آرامش و امنیت اخلاقی در خانواده است، بلکه موجب پایداری و استحکام نهاد خانواده در جامعه اسلامی نیز می‌گردد.
- این یافته‌ها، پاسخگوی سؤالات اصلی و فرعی مقاله در خصوص جایگاه، ابعاد و آثار تربیتی احکام تمکین زوجین از منظر فقه اسلامی است.

منابع و مأخذ

• قرآن کریم

۱. اعرافی، علی رضا، ۱۳۹۱ش، *فقه تربیتی*، قم: مؤسسه اشراق.
۲. بحرانی، یوسف بن احمد، بی تا، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۳. بخشایش، علیرضا و مرتضوی، مهناز، ۱۳۸۸ش، «رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین»، *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، شماره ۴، پیاپی ۱۲.
۴. تبریزی، میرزا جواد، ۱۳۸۵ش، *صراط النجاة فی أجوبة الاستفتاءات*، قم: دار الصدیقه الشهیده.
۵. جبل عاملی، جلال، ۱۳۸۶ش، «بررسی مشکلات زندگی زناشویی با تأکید بر روابط جنسی»، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۶. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
۷. حسون، محمد، ۱۳۳۸ق، *اعلام النساء المومنات*، قم: دارالاسوه للطباعة و النشر.
۸. حکیم، السید محمد سعید، ۱۴۱۵ق، *منهاج الصالحین*، بیروت: دار الصفوة.
۹. راستگو، ناهید، ۱۳۹۳ش، «اثربخشی افزایش دانش جنسی بر رضایت زناشویی زنان متأهل»، *فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی*، شماره هفدهم.
۱۰. رفیعی، بهروز، ۱۳۸۸ش، *آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، بی جا: مؤسسه چاپ سبحان.
۱۱. سبزواری، السید عبد الأعلى، بی تا، *مذهب الاحکام فی بیان حلال و الحرام*، قم: دارالتفسیر.
۱۲. سیدکاظم فروتن، محمدحسین اخوان تقوی، ۱۳۹۰ش، «بررسی نقش سلامت جنسی در خانواده ایرانی»، *نشریه قضاوت*، پیاپی ۷۱.
۱۳. شریف، دکتر علی، ۱۳۷۶ش، *نقشه و تمکین در حقوق خانواده*، تهران: انتشارات بشارت.
۱۴. شهید الثانی، زین الدین بن علی، بی تا، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

۱۵. شیخ الاسلامی، علی و همکاران، ۱۳۹۵، «پیش بینی تعهد زناشویی براساس رضایت جنسی» *دین و سلامت*، دوره ۵، شماره ۱.
۱۶. شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم: موسسه نشر اسلامی.
۱۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی، ۱۳۸۷ق، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
۱۸. شیخ عباس قمی، بی تا، *غلیه القصوی فی ترجمه العروة الوثقی*، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
۱۹. طباطبائی قمی، سید تقی، ۱۳۰۱ق، *مبانی منهاج الصالحین*، قم: منشورات قلم شرق.
۲۰. طباطبائی الحکیم، السید محمد سعید، ۱۴۳۰ق، *فقه المرأة المسلمة*، طبقاً لفتاوی السید محمد سعید الطباطبائی الحکیم، قم: دار الهلال.
۲۱. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۲۷ق، *العروة الوثقی مع تعالیک بعض الأعظم*، قم: مؤسسه فقه الثقلین.
۲۲. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ق، *مکارم الأخلاق*، قم: شریف رضی.
۲۳. طریحی، فخر الدین، ۱۳۶۲، *مجمع البحرين*، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: طراوت.
۲۴. غزالی، محمد، ۱۳۶۲، *مکاتیب فارسی*، تصحیح: عباس اقبال آشتیانی، تهران: امیرکبیر.
۲۵. فاضل الهندی، بهاء الدین محمد بن تاج الدین، بی تا، *کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۲۶. فیومی، أحمد بن محمد، ۱۴۱۸هـ، *المصباح المنیر*، بیروت - لبنان؛ المکتبه العصریه.
۲۷. قاسمی، هاجر السادات، ۱۳۸۷، «آسیب شناسی روابط زوجین: لایه های زیرین ناسازگاری»، *فصلنامه حوراء*، ش ۲۹.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۷، *اصول الکافی*، الجزء: ۵، تصحیح و تعلیق: علی أكبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۹. محقق حلی، شیخ نجم الدین جعفر بن الحسن، ۱۴۰۹ق، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، تهران: نشر استقلال.

۳۰. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۶ش، *بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۱. مدرسی، السید محمد تقی، ۱۳۸۳ش، *الوجیز فی الفقه الاسلامی، عقود المنفعة و عقود الشریکة*، قم: میراث ماندگار.
۳۲. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر.
۳۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳ش، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: صدرا.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۹ش، *احکام خانواده*، قم: امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۵. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۶۸، *تحریر الوسیله*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ره.
۳۶. نجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ۱۳۶۲ش، *جواهر الکلام*، بیروت-لبنان: دار إحياء التراث العربی.
۳۷. نورانی پور، رحمت الله؛ بشارت، محمدعلی؛ یوسفی، اسکندر، ۱۳۸۶ش، «بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی» *تازه‌ها و پژوهشهای مشاوره*، ش ۲۴.
۳۸. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل‌النبی (علیه السلام).
۳۹. هاشمی‌شاهرودی، محمود، ۱۴۳۲ق، *موسوعة الفقهية المقارن*، قم: انتشارات مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی.

